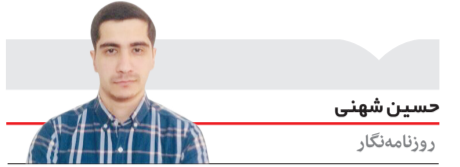


نظری به نقد، نقدپذیری و عقلانیت اسلامی

محافظه کاری علیه عقلانیت انقلابی



حسین شهینی

روزنامه نگار

۱. از برکات ماه رمضان این است که مسلمین پای سفره قرآن می‌نشینند و هرکس به مقدار فهم و عقل و ظرفیت خویش از آن بهره می‌برد و چه خوب است برای فهم بهتر به افرادی آشنا با قرآن رجوع شود. کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» حرف‌های بسیاری برای ما دارد، نه به این سبب که نویسنده آن رهبر انقلاب هستند بلکه به این علت که فهم از قرآن توسط یک فرد متخصص و متبحر در این زمینه صورت گرفته است. فهم مبانی و تفکر انقلاب اسلامی را می‌توان از این کتاب به خوبی آموخت حال آنکه اگر مضامین و محتوا را در کنار آنچه خود رهبری به جوانان و دانشجویان توصیه کردند بگذاریم و آن هم توصیه به نوشته‌های شهید مطهری است، در کنار قرآن برای بالابردن معرفت دینی اثربخش خواهد بود.

۲. بگذارید بحث را از اینجا شروع کنیم که اساسا جایگاه عقل و برهان در امر دین کجاست؟ ابتدا اشاره کنیم که «پُر گفتن هنر نیست و گفتن آنچه نیاز است هنر است.»^(۱) بیان این موضوع به فراخور زمان و موضوعات مطرح شده در جامعه است که در مدت اخیر به مناسبت‌های مختلف، پیش آمده و عیار جامعه و سیاسیون را در فرهنگ نقدپذیری تا حدودی مشخص ساخته است و مهم‌تر از آن واکنش‌های جامعه به چنین نقدهایی است که با نگاه مذهبی، دینی و انقلابی با آن برخورد می‌شود. تاکید قرآن بر «ایمان با دلیل» را باید پیش چشم داشت. ایمان را آن طور که رهبری معرفی می‌کنند، اگر درست شکل بگیرد، پایه و اساس حکومت اسلامی است، اما ایمان اگر بخواید از روی تعصب باشد مشخص است که در دیگر عرصه‌ها این تعصب بیجا چه بلایی بر سر یک حکومت اسلامی می‌آورد. «تعصب می‌داند یعنی جانبداری بدون دلیل، جانبداری از روی احساس، نه از روی منطق، این را می‌گویند تعصب.»^(۲) راه درمان این تعصب را رهبری ایمان را متکی به دلیل می‌دانند. از دینی که چنین امر مهمی را متکی به دلیل می‌کند آیا ممکن است نقدپذیری حاصل آید؟ «آن ایمانی که فلان مرد مسلمان دارد، برای نگاه‌داشتن باید بگویم روزنامه نخواند، فلان کتاب را نخواند، در کوچه و بازار راه نرود، با فلان کس حرف نزند، سرما و گرما نخورد، آفتاب و مهتاب نبیند، تا بماند؛ این ایمان متأسفانه نخواهد ماند.»^(۳) رهبری چنین مسأله‌ای را در مورد مهم‌ترین نکته و اساسی‌ترین نکات از منظر قرآن برای یک مسلمان یعنی «ایمان» بیان می‌کنند. ایمانی که با استدلال عقلی و منطقی قرار است به دست آید، به راحتی نمی‌رود ولی اگر ایمان در اثر تعصب پیدا شد دیگر امیدی به آن نیست. این مسأله شاید یکی از وجوه حقانیت اسلام و تشیع باشد که موجب ماندگاری آن در طول تاریخ شده است.

۳. شهید مطهری در کتاب «آینده انقلاب اسلامی» که ادغام کتاب «پیرامون جمهوری اسلامی» و مجموعه سخنرانی‌های دیگر ایشان است، در بحثی با عنوان «آزادی بحث در تاریخ اسلام» گفته است: «شما در کجای تاریخ عالم دیده‌اید که لااقل به‌ظاهر خیلی قسمت‌هایش مذهبی بوده و همه مردمش احساسات مذهبی دارند، به غیرمذهبی‌ها آن اندازه آزادی بدهند که بیايند در مدینه در مسجد پیغمبر و در مکه در مسجدالحرام بنشینند و آزادانه اصول دین را انکار کنند؛ فردی برود در مسجد مدینه بنشیند و خدا را انکار کند؛

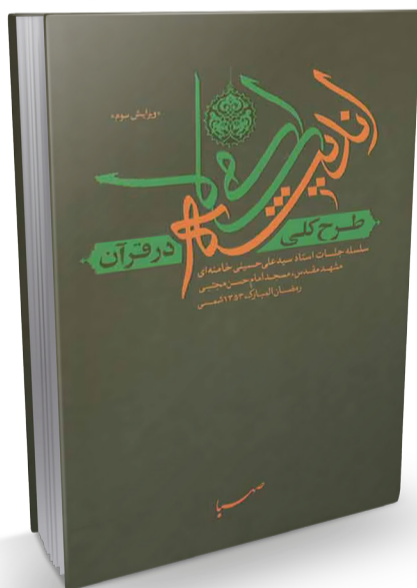
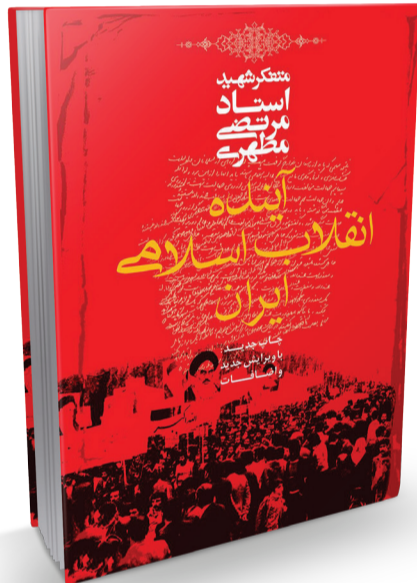
درباره خدا بحث کند و بگوید من خدا را قبول ندارم و... ولی در تاریخ اسلام ما اینها را می‌بینیم و به دلیل همین آزادی‌ها بود که اسلام توانست باقی بماند. اگر در صدر اسلام تا کسی می‌آمد در مدینه می‌گفت من خدا را قبول ندارم، می‌گفتند بزیند، بکشید، امروز اسلام وجود نداشت. اسلام به این دلیل باقی مانده که با شجاعت و صراحت با افکار مختلف مواجه شده.»^(۴) ببینید اهمیت نقد و آزاداندیشی در یک حکومت دینی در نظر رهبران انقلاب اسلامی چگونه است. اهمیت آزادی بحث پیرامون افکار و نظرات مطرح شده تا کجاست که مهم‌ترین اصول دین یعنی توحید را نیز به عرصه بحث می‌گذارد. شهید بزرگوار مطهری در بحث از «عوامل تداوم انقلاب اسلامی» نیز می‌آورد: «هرکسی در درجه اول فکرش باید آزاد باشد، بیان و قلمش باید آزاد باشد. اما فکر آزاد باشد یعنی اگر کسی منطقی و فکری دارد، فکر خودش را بگوید. اتفاقاً تجربه‌های گذشته نشان داده است که هر وقت در جامعه ما نوعی آزادفکری بوده -ولو از روی سوءنیت هم بوده است- این امر به ضرر اسلام تمام نشده بلکه به سود اسلام تمام شده است.»^(۵) برای درک عمق این مسأله، شاید این اشارات کافی نباشد. شهید مطهری در جای دیگری از کتاب ذیل عنوان «دو علت پیدایش و گسترش تمدن اسلامی» می‌فرماید: «علما راجع به علل پیدایش و گسترش تمدن اسلامی خیلی بحث کرده و دو علت اساسی برایش ذکر نموده‌اند: اولین علت تشویق بی‌حدی است که اسلام به تفکر و تعلیم و تعلم کرده است و این تشویق در متن قرآن است. علت دومی... احترامی است که اسلام به عقاید ملت‌ها گذاشت.»^(۶) باز او در جای دیگری می‌گوید:

«... می‌آمدند نزد ائمه سوال می‌کردند، جواب می‌شنیدند و می‌رفتند. کسی نمی‌گفت تو چه حقی داری در دولت مقتدر اسلامی چنین حرف‌هایی بزنی.»^(۷) این اهمیت آزادی و آزادی بیان در نظر رهبران انقلابی، چون شهید مطهری است. از جمله آرمان‌های ایشان برای آینده انقلاب اسلامی ایران و جمهوری اسلامی، چنین صراحت و شجاعت در نقد بود که آن را مفید برای جامعه و رشد فکری جامعه می‌دانست.

۴. نظر شهید مطهری درباره آزادی عقیده نیز جالب توجه است. این شهید در نقد این نظر که معمولاً آن را از قول فرنگی‌ها نقل می‌کنند که «انسان هم عقیده‌ای را اتخاذ کند آن عقیده محترم است، به محضی حضرت‌ابراهیم(ع) و بت‌هایی که به‌جای خدا پرستیده می‌شدند، می‌پردازد: «این بت‌ها مورد احترام میلیون‌ها انسان هستند پس من هم به آنها احترام می‌گذارم. از نظر اسلام این کار اقرار»^(۸) به جهل است نه خدمت به آزادی.»^(۹) این گونه است که از نظر شهید مطهری اسلام یک فرهنگ فعال در تفکر و اندیشه، آن هم در مهم‌ترین مباحث دارد. در این راه مهم‌ترین ویژگی‌های آزادی در تفکر را صراحت و عدم نفاق و پرهیز از فریبکاری می‌دانند که شاید مهم‌ترین موضوع در رسانه‌های امروز به شمار آید. «و لطیف است که قرآن روی فریب‌خوردگی تکیه می‌کند؛ فریب‌خوردن، غافل ماندن. دائمی می‌خواهد مردم غافل نمانند، فریب نخورند، چشم‌شان را باز کنند. قرآن مطمئن است اگر مردم چشم باز کنند، نظر او تاملین می‌شود و درست هم هست.»^(۱۰) مشخص است برداشت‌های متفکرانه از قرآن در میان رهبران انقلاب اسلامی مانند آیت‌الله خامنه‌ای و شهید مطهری بسیار نزدیک است. این نزدیکی در تفکر و تعقل منسبایی دارد و آن هم اصول و مبانی‌ای است که قرآن در اختیار این اندیشمندان قرآنی می‌گذارد. اما آیا این منحصر به تشخیص و ایمان قلبی است؟ «اگر تشخیص و

ایمان قلبی و باور کافی بود، عمروعاص باید اول شیعه عالم باشد... عمروعاصی که درباره امام‌علی(ع) شعر می‌گوید و در دم احتضار در آن حساس‌ترین ساعات‌ها و لحظه‌هایی که برای ذهن یک انسان مطرح است، اظهارندامت می‌کند... می‌گوید دینم را به دنیای معاویه فروختم، با علی که می‌دانستم حق است جنگیدم.»^(۱۱) مشخص است در بیان رهبری ایمان و باور قلبی به حق کافی نیست و باید آن را ابزار و از آن دفاع کرد، باز این پرسش مطرح می‌شود که آیا چنین دینی در زمینه تفکر هم همین نظر را دارد؟ در مورد انتقاد چطور؟

۵. همان طور که گذر رفت تا حدی روشن شد که نظر رهبران انقلاب در مورد آزادی در تفکر و اندیشه بر مبنای قرآن چیست و ایشان در این باب چگونه می‌اندیشند اما در باب نقد، اشاره دیگری به امام‌خمینی(ره) می‌کنیم. «نباید ماها گمان کنیم که هرچه می‌گوییم و می‌کنیم، کسی را حق اشکال نیست. اشکال بلکه تخطئه یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها.»^(۱۲) این نوع نگاه به نقد بسیار جالب نظر است. هرچند شهید مطهری معتقد است «قوه نقادی و انتقاد کردن به معنای عیب‌گرفتن نیست. معنای انتقاد، یک شیء را در محک قراردادن و به وسیله محک‌زدن به آن، سالم را ناسالم را تشخیص دادن است.»^(۱۳) و این نکته شاید بیش از آنکه لازم باشد مورد رعایت رسانه‌ها قرار گیرد، خوب است مورد رعایت جامعه باشد که نگاه به نقد را



چگونه صورت‌بندی کرده و به آن واکنش نشان می‌دهد. رهبری این مسأله را در دیدار با دانشجویان در قالب شرح صدر سیاسی و قرار ندادن سقف معرفت خود به محتویات سایت‌ها و روزنامه‌ها و همچنین نقد مستمر و منصفانه نسبت به اوضاع کشور بیان کرده‌اند. این نگاه بیش از آنکه سیاسی باشد، نگاه عالمانه به مقوله نقد و نقدپذیری است. درست است که منتقد باید شرایطی را رعایت کند اما شاید مهم‌تر از منتقد، ناظر آگاه باید قادر به تفکیک محتوای نقد و تشخیص سره از ناسره باشد. ۶. امر به معروف و نهی از منکر برخلاف ظاهر آرام بعضی اعمال دینی مانند نماز و روزه، ظاهراً نیز بی‌دردرسر نیست. هرچند خود این اعمال ظاهراً بی‌دردرسر هم -اگر با نگاهی که رهبری در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» سعی در بیان آن دارند، انجام شود- موجب ایمانی محرک و زاینده خواهد شد اما امر به معروف و نهی از منکر جوهر دیگری است. از نظر رهبری از قول امام معصوم(ع) آن کسانی که امر به معروف و نهی از منکر که پردردسر و به‌ظاهر پرزور است را اعتنا نمی‌کنند، مومن نیستند»^(۱۴) حالا شما این را بگذارید کنار اینکه «هر چیزی که با عقل مردم مبارزه می‌کند، دین با او مبارزه می‌کند.»^(۱۵) این اقوال جایگاه عقلانیت و اندیشه را در نگاه قرآنی بیان می‌کند. باید توجه داشت که در این زمینه، دین، دوست و غیره نمی‌شناسد. حتی اطاعت افراد را نیز منوط به این نگاه می‌کند که اگر بی‌قید و شرط باشد، عبادت افراد است، می‌خواهد قدرت سیاسی باشد یا قدرت مذهبی یا...»^(۱۶)

۷. شهید مطهری در قسمتی از کتاب «آینده انقلاب اسلامی ایران» به یک دوگانه اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی می‌پردازد و در بیان این موضوع بیان می‌دارد که معیار در این راه، مبارزه نیست و این تفکر مادی که اصل مبارزه است، تفکری اشتباه است که شاید در ظاهر با اسلام و مبارزه‌ای که از درون آن بیرون آمده می‌خواند، اما تفاوتی بنیادین دارد و اگر این اشتباه صورت پذیرد «آن وقت در همه‌جا مبارزه معیار اسلام می‌شود؛ عده‌ای هم کوشش می‌کنند که اسلام را به‌قول خودشان- انقلابی کنند نه اینکه انقلاب را اسلامی کنند.»^(۱۷) این تفکر غلط شاید در ابتدای انقلاب موجب رضایت جریان‌های چپ و سازمان‌های به اصطلاح مبارزاتی بود اما محدود به آن زمان هم نمانده است. هرچه جلوتر آمده‌ایم این مسأله غامض‌تر و پیچیده‌تر شده است. شاید مصلحت‌سنجی‌های بیجا با توجه‌هایی مثل جذاب‌بودن چهره‌ها و معافیت آنها از نقد در گفتمان انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین مسائل در چند سال اخیر بوده که در آنها «مبارزه» اصل تلقی شده است.

۸. ماه رمضان در سال‌های گذشته فرصتی برای اقشار مختلف فراهم می‌آورد تا از یک تریبون رسمی در برابر عالی‌ترین مقام کشور سیاست‌های کلان حکمرانی و آرا و افکار مختلف را نقد کنند و شاید پیشگام این عرصه دانشجویان بوده‌اند که تندترین نقدها را مطرح می‌کردند. اما اگر از حسینیته امام‌خمینی(ره) بیرون بیاییم، آیا در مقابل نقدهای خارج از حسینیته همان سعه‌صدر و پاسخگویی متین -که رهبر انقلاب به تبع ائمه‌هدی دارند- در جریان‌های موسوم به انقلابی نیز دیده می‌شود؟ هرچند جریان اصیل انقلابی انصافاً در بسیاری از مقاطع سعه‌صدر و نقدپذیری بالای خود را به نمایش گذاشته است اما برخی -که متأسفانه صاحبان تریبون‌های رسمی هم هستند- به نمایندگی از این جریان رفتارهایی می‌کنند خلاف آرمان‌های انقلاب اسلامی. سیاست‌زدگی شاید آفتی باشد که به موجب

آن، عرصه نقد تنگ شده و اگر با وضعیت حساس کنونی و عدم استفاده رسانه‌ای دشمن و دوقطبی‌های سیاسی کشور و معیارهایی چون مبارزه در جبهه خودی، مصلحت‌گرایی به اسم مصلحت نظام و مواردی مثل لزوم جذابیت رسانه‌ای ترکیب شود، دیگر می‌توان گفت به‌طور کامل در عرصه میدان نقد را باید بست. اینکه هنوز بعد از این همه گذشت از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز نوانستیم این بین بررسی نقدها و سوءاستفاده رسانه‌ای دشمن تمایز قائل شویم و هر روز به جای در دست گرفتن علم نقد، موجب پیشبرد اهداف و مانع سوءاستفاده دیگری شویم و در یک کلام به‌عنوان جریان انقلاب، خودمان در پیشانی جریان اصلاح مشکلات و نقد اندیشه‌ها باشیم، جای بسی تعجب که نه، بلکه تاسف است و حتی شگفتی است. جریان‌های سیاسی طبیعتاً از این مسأله سود می‌برند زیرا اولین مزیت نقد -همان‌طور که در بندهای ذکر شده گفته شد- رشد جامعه و بالاتر رفتن استانداردها و دشوارتر شدن کار برای جریان‌های سیاسی است. اما بالاترین مصلحت، حقیقت است. اینکه به بهانه‌های مختلف -که معمولاً نه ناظر به حفظ اصول و مبانی بلکه ناظر به کارکرد و کارآمدی است- نقد را در هر زمانی غیرمجاز تلقی کنیم، تا کجا مصلحت و قابل دفاع است؟ این تلقی اشتباه زمانی قوت می‌گیرد که پاسخی برای پرسش «زمان مناسب چه وقت فرا می‌رسد؟» در کار نیست و عملاً هرگز آن زمان مناسب از راه نمی‌رسد. یک روز انتخابات است روز دیگر جذابیت فرد و جماعتی که دین‌شان و اعتقادشان به او متکی است، مهم است، روز دیگر خدمات فرد به اسلام مانع از نقد اوست، روز دیگر سوءاستفاده دشمن محتمل است. در صورتی که اگر این آزادی فکری و بروز آن در نقد وجود نداشته باشد درحقیقت پیشرفتی در فکر جامعه رخ نخواهد داد. باید از این موضع انفعال خارج شد تا بتوان موضعی فعال اتخاذ کرد و گزینه محافظه‌کاری قتلگاہ انقلاب خواهد شد. باید حقیقت را بیان کرد. آیا مصلحتی در حد پذیرش قطعه‌نامه در پایان جنگ در دوران امام(ره) می‌شناسید؟ حتی در پذیرش این مصلحت، امام(ره) از بیان کلمه جام زهر برای گذر به حقیقت ماجرا پرهیز نمی‌کنند. این سیاستی است که اسلام و خصوصاً تشیع را حفظ کرده است نه اعتبار و جذابیت اشخاص.

۹. این متن نیز از ایراد و اشکال خالی نیست و بدون شک نقدها به آن وارد خواهد بود اما مهم‌ترین نکته، نحوه درست برخورد با استدلال -ولو با احتمال تخطئه- است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۸
۲. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۶۸
۳. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۶۹
۴. آینده انقلاب اسلامی ایران، ص ۴۷
۵. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۹۴
۶. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۳۲۰
۷. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۳۲۴
۸. تحریک
۹. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۴۰
۱۰. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۲۲۰
۱۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۷۹
۱۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۰
۱۳. اسلام و مقتضیات زمان، ص ۲۸۵
۱۴. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۹۳
۱۵. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۹۵
۱۶. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۱۹۴
۱۷. آینده انقلاب اسلامی ایران، ص ۹۳

آگهی مناقصه

دستگاه مناقصه‌گذار: **دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی**

موضوع مناقصه: واگذاری حجمی امور خدمات نظافتی و انجام امور مربوط

مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مناقصه و دریافت اسناد:

از تاریخ ۹۹/۲/۲۴ لغایت ۹۹/۳/۱۰

بابت دریافت اسناد به سایت یا حضوراً به آدرس زیر مراجعه فرمایید:

مناقصه/۱۰۷۶/financial.iauctb.ac.ir/fa/page/

آزادی، خیابان اسکندری شمالی، نبش خیابان فرصت شیرازی، ساختمان ستادی شماره یک، پلاک ۵۳، طبقه همکف، اداره قراردادهای جهت کسب اطلاعات بیشتر یا کارشناس فنی به شماره ۰۲۲۴۸۱۷۲۱-۲۲۴۸۱۷۲۲ تماس حاصل فرمایید.

مهلت ارائه پاکت:

تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۹/۳/۱۰

مدارک موردنیاز در زمان تحویل پاکت:

فیش واریزی بابت خرید اسناد مناقصه به مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۱۱۰۹۹۲۸۳۰۰ بانک ملی شعبه قنات کوثر (غیرقابل استرداد) محل تحویل و عودت پاکت مناقصه:

آزادی، خیابان اسکندری شمالی، نبش خیابان فرصت شیرازی، ساختمان ستادی شماره یک، پلاک ۵۳، طبقه همکف، اداره قراردادهای (پاکت‌ها به صورت لاک و مهر تحویل گردد). دانشگاه در رد یا قبول یک یا همه پیشنهادات مختار و پرداخت هزینه آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آگهی مزایده / مناقصه عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا در نظر دارد اجاره مکان تاپ و تکثیر و کتیروشی خود را از طریق مزایده و تعمیر و نگهداری تأسیسات دانشگاه را از طریق مناقصه به متقاضی واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند حداکثر تا ۱۰ روز کاری (به‌جز روز جمعه و شنبه) پس از درج آگهی جهت دریافت اسناد به دفتر ندرات دانشگاه مراجعه و یا شماره ۰۳۱۰۰۳۲۹۲۲۰۰ تماس حاصل نمایند. در ضمن هزینه درج آگهی به‌عهده برنده مناقصه بوده و دانشگاه در قبول و یا رد هر یک از پیشنهادات مختار است. روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

آگهی دعوت سهامداران

به تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه

در شرکت صنایع مس زنجان سهامی خاص

آگهی دعوت سهامداران شرکت صنایع مس زنجان سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۷۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۰۰۶۰۴۷ مجمع عمومی عادی سالیانه. بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی (عادی سالیانه) در ساعت ۱۱ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۱۰ روز شنبه که در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

- ۱- انتخاب مدیران
- ۲- تعیین سمت و دارندگان حق امضاء
- ۳- انتخاب بازرسین

هیات مدیره شرکت

سازمان آگهی‌های روزنامه **فرهیختگان**

Advertisement Service Organization

تلفن: ۰۲۱) ۶۶۳۴۸۰۴۶-۶۶۳۴۸۰۱۸

فکس: ۰۲۱) ۶۶۳۴۸۰۱۷

@agahifdn

ایمیل: a66348018@gmail.com

آگهی دعوت سهامداران

برای تشکیل مجمع عمومی فوق العاده

در شرکت صنایع مس زنجان سهامی خاص

آگهی دعوت سهامداران شرکت صنایع مس زنجان سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۷۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۰۰۶۰۴۷ جهت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده.

بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده در ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۱۰ روز شنبه که در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

- ۱- کاهش اعضای هیات مدیره (اصلاح ماده مربوطه اساسنامه)

هیات مدیره شرکت

سداغ نخبگان، نگاه جوانان

FARHIKHTEGAN

روزنامه فرهیختگان

WWW.FDN.IR

@farhikhtegandaily

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب محسن ایمانی فرزند عباس به شماره شناسنامه ۳۵۱۶ صادره از کرج در مقطع کارشناسی پیوسته رشته مدیریت صنعتی صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۳۰۲۳۴/۱۳۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمؤمنین ارسال نماید.

♦♦♦

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب محمدرحمانی وطن‌خواه فرزند ولی‌اله به شماره شناسنامه ۱۰۳۰۷ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته کاربرد کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۳۸۵۷/۸۲۱۱۵۵۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمؤمنین ارسال نماید.